

نشر بیگل
Bidgol Publishing

سرشناسه: اینگاردن، رومن، ۱۹۷۰ - ۱۸۹۳ م. Ingarden, Roman.
عنوان و نام پدیدآور: درباره ترجمه/ رومن اینگاردن؛ ترجمه وحید غلامی پور فرد.
مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص.؛ ۲۱×۱۴ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۵۴-۸۹-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای از متن انگلیسی کتاب "On Translations" است.
موضوع: ترجمه
Translating and interpreting: موضوع
شناسه افزوده: غلامی پور فرد، وحید، ۱۳۶۲ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: P۳۰۶
رده‌بندی دیویی: ۴۱۸/۰۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۶۶۲۰۸۸
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیپا



درباره ترجمه

| رومن اینگاردن | وحید غلامی پور فرد |

ON TRANSLATION

| Roman Ingarden | Vahid Gholamipour Fard |

به روایت فیلسوف

-۴-



درباره ترجمه

رومن اینگاردن

ترجمه وحید غلامی پور فرد

نسخه پردازی: میترا سلیمانی

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، ۱۴۰۰ تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۵۴-۸۹-۲

Bidgol Publishing co. | انتربیدگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

bidgol.ir

به یادِ پُراندوهِ پدرم
(مترجم)





۹	سال شمارِ زندگی و کارِ رومن اینگاردن
۱۷	مقدمه مترجم
۸۵	منابع مقدمه
۸۹	درباره ترجمه
۹۱	۱. فرقی ترجمه اثرِ دانش پژوهانه با ترجمه اثرِ هنری ادبی
۱۴۱	۲. سختی های ترجمه آثارِ کلاسیکِ فلسفه
۱۸۹	یادداشت ها
۱۹۵	واژه نامه فارسی به انگلیسی
۱۹۷	واژه نامه انگلیسی به فارسی

سال شمار زندگی و کار رومن اینگاردن^۱

۱۸۹۳ (پنجم فوریه)

در کراکف دیده به جهان گشود.

۱۹۰۳-۱۹۱۱

در لوف به مدرسه راهنمایی و دبیرستان رفت.

۱۹۱۴ (نیمسال تابستانی)-۱۹۱۲ (نیمسال تابستانی)

در گوتینگن روان‌شناسی و فلسفه خواند.

۱۹۱۴/۱۹۱۵ (نیمسال زمستانی)

در دانشگاه وین ریاضیات و فیزیک خواند.

۱۹۱۵ (نیمسال تابستانی)

در گوتینگن درس خواند.

۱۹۱۵/۱۹۱۶ (نیمسال زمستانی)

بیمار شد و به لهستان برگشت.

۱. برگرفته از Mitscherling (1997), pp. 9-11. کتاب‌شناسی‌ای کوتاه از آثار اینگاردن در Dziemidok and McCormick (1989) و Mitscherling (1997) آمده و کتاب‌شناسی‌ای پروپیمان از آثار او و آثاری درباره او در McCormick (1985).

۱۹۱۶ (نیمسال تابستانی)

در پی هوسرل^۱ به فرایبورگ رفت.

۱۹۱۷ (ژوئن - سپتامبر)

به کراکف بازگشت.

۱۹۱۷ (واپسین روزهای سپتامبر)

به فرایبورگ بازگشت تا از رساله اش، *شهود و عقل نزد هانری برگسن*^۲، دفاع کند.

۱۹۱۸ (بیست و سوم فوریه)

مدرک دکتری گرفت.

۱۹۱۸ (پایان ژوئیه)

نوشته ای با عنوان «نامه درباره ایده باوری» برای هوسرل فرستاد.

۱۹۱۹ (زمستان) - ۱۹۱۸ (پاییز)

در لوبلین درس داد.

۱۹۱۹

ماریا پل را به همسری برگزید.

۱۹۲۱ - ۱۹۱۹

در ورشو ریاضیات و روان شناسی درس داد.

۱۹۲۵ (اوت) - ۱۹۲۱ (اوت)

در تارتنی ریاضیات و فلسفه مقدماتی درس داد.

۱۹۲۱

شهود و عقل نزد برگسن: شرح و کوششی در نقد آن (به آلمانی) منتشر شد.

۱. Edmund Husserl: فیلسوف آلمانی (۱۸۵۹-۱۹۳۸).

۲. Henri Bergson: فیلسوف فرانسوی (۱۸۵۹-۱۹۴۱).

۱۹۲۱

«دربارهٔ خطرِ مصادره به مطلوب در معرفت‌شناسی» (به آلمانی)
منتشر شد.

۱۹۲۴ (بیست و هفتم ژوئن)

از رساله‌اش برای احراز صلاحیت تدریس دفاع کرد.

۱۹۲۵ (چهارم مارس)

در دانشگاه یان کازیمیش (UJK) در لُوف استاد غیررسمی فلسفه شد.
رساله‌ای که برای احراز صلاحیت تدریس نوشته بود با عنوان
«پرسش‌های ناظر به ذات: مسألهٔ ذات» (به آلمانی)
منتشر شد.

۱۹۲۵

سخنرانی معارفهٔ او با عنوان دربارهٔ جایگاه معرفت‌شناسی در نظام
فلسفی (به آلمانی) منتشر شد.
۱۹۳۳ (دسامبر) - ۱۹۲۶/۱۹۲۵ (زمستان)
در UJK استاد غیررسمی بود.

۱۹۲۹

«نکته‌هایی دربارهٔ مسئلهٔ ایده‌باوری/ واقع‌باوری» (به آلمانی)
منتشر شد.

۱۹۳۱

اثر هنری ادبی^۱ (به آلمانی) منتشر شد.

۱. *The Literary Work of Art* (1973). (عنوان ترجمهٔ انگلیسی)

اینگاردن در اثر هنری ادبی، در پانزده فصل، به هستی‌شناسی اثر هنری ادبی می‌پردازد و نظریهٔ لایه‌های چهارگانهٔ اثر ادبی را پیش می‌نهد. در پیش‌درآمد این کتاب، یکی از هدف‌هایش را این می‌داند که مفهوم اثر هنری ادبی را از ←

۱۹۳۹ (بیست و دوم سپتامبر) - ۱۹۳۳ (دوازدهم دسامبر)
در UJK استاد خارج از کادر ثابت شد.

۱۹۳۵

نگارش مناقشه بر سر وجود جهان را آغاز کرد.

۱۹۳۶

شناخت اثر هنری ادبی^۲ (به لهستانی) منتشر شد.

۱۹۴۱ (بیست و هشتم ژوئن) - ۱۹۴۰ (یازدهم ژانویه)

در لوف در دانشگاه فرانکی آن روزگار استاد بخش فقه اللغة آلمانی شد. در واپسین روزهای ژوئن، درگیری آلمان و شوروی آغاز شد و آلمانی‌ها لوف را گرفتند و دانشگاه بسته شد.

۱۹۴۲ (ژانویه) - ۱۹۴۱ (بیست و هشتم ژوئن)

بیکار بود.

→ گرایش‌های روان‌شناسی‌گرایانه درباره هنر و آثار هنری برهاند. نیز می‌گوید که از آغاز می‌خواست است، از رهگذر تحلیل ساختار و نحوه وجود آثار هنری، بنیادی برای زیبایی‌شناسی پدیدارشناختی فراهم آورد. شارحان اندیشه اینگاردن همگی باور دارند که این کتاب بر نظریه‌های ادبی و نقد نو و نظریه واکنش خواننده بسیار اثر گذاشته است.

۱. *Controversy Over the Existence of the World*. (عنوان ترجمه انگلیسی)

مجلد یکم در ۲۰۱۳ به انگلیسی ترجمه شد و مجلد دوم در ۲۰۱۶. اینگاردن در مجلد یکم، در شش فصل، مسئله اصلی مناقشه بر سر وجود جهان را طرح می‌کند و کل مسائل را دسته‌بندی می‌کند و به هستی‌شناسی وجودی می‌پردازد. سرانجام هم نحوه‌های ممکن وجود را پیش می‌نهد هم گزینه‌هایی را که می‌توان در برابر پرسش از وجود جهان نهاد. در مجلد دوم به هستی‌شناسی صورتی ایزه‌ها، و نیز ایزه قصدی محض، و فرایندها و رخدادها می‌پردازد.

۲. *The Cognition of the Literary Work of Art* (1973). (عنوان ترجمه انگلیسی)

اینگاردن در شناخت اثر هنری ادبی، در پنج فصل، رویکردی معرفت‌شناختی در پیش می‌گیرد تا اثر هنری ادبی را، که رویکردی هستی‌شناختی دارد، تکمیل کند. در این کتاب، هدف این است که ساختار تجربه زیبایی‌شناختی و کنش‌های شناختی‌ای که در آن به کارند روشن شوند.

۱۹۴۴ (بهار) - ۱۹۴۲ (ژوئن)

در لوف آموزگار بود و در دانشگاه درس گفتاری پنهانی برگزار کرد.

ژانویه (ژانویه) - ۱۹۴۴ (می)

پنهانی آموزگار ریاضیاتِ مدرسهٔ راهنمایی بود.

۱۹۴۵ (یکم فوریه)

در دانشگاهِ یَگیلونسکی (UJ) در کراکف استاد شد.

۱۹۴۶ (دوازدهم ژوئن)

در UJ کرسی ای در فلسفهٔ عمومی به دست آورد.

۱۹۴۶

دربارهٔ ساختارِ نقاشی: طرحی در نظریهٔ هنر (به لهستانی) منتشر شد.

۱۹۴۷

مجلدِ نخستِ مناقشه بر سر وجود جهان (به لهستانی) منتشر شد.

۱۹۴۸

مجلدِ دومِ مناقشه بر سر وجود جهان (به لهستانی) منتشر شد.

۱۹۴۹ (دسامبر)

از کرسی فلسفه برکنار و ممنوع التدریس شد و بر کرسی موقتِ

فقه اللغهٔ آلمانی نشست.

۱۹۵۰/۱۹۵۱ - ۱۹۵۱/۱۹۵۲

به مرخصی با حقوق رفت.

۱۹۵۱ (ژانویه) - ۱۹۵۱ (نوامبر)

رسماً به دانشگاه ورشو منتقل شد و به سردبیریِ مجموعهٔ کتابخانهٔ

آثار کلاسیکِ فلسفه رسید.

۱۹۵۷ (فوریه)

بار دیگر در بخش تاریخ و فلسفه دانشکده منطق به استادی رسید. دانشکده فلسفه از سپتامبر ۱۹۵۰ منحل شده بود و دانشکده پایه مارکسیسم از ۱۹۵۱ تا آغاز سال تحصیلی ۱۹۵۶ به جای آن نشست.

۱۹۵۷ (یکم سپتامبر)

بخش فلسفه به کار بازگشت و اینگاردن کرسی ای به دست آورد.

۱۹۵۷

مجلد نخست پژوهش‌هایی در زیبایی‌شناسی (به لهستانی) منتشر شد.

۱۹۵۸

مجلد دوم پژوهش‌هایی در زیبایی‌شناسی (به لهستانی) منتشر شد.

۱۹۶۲

هستی‌شناسی اثر هنری: اثر موسیقایی، تصویر، اثر معمارانه، فیلم (به آلمانی) منتشر شد.

از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۳ (سی‌ام سپتامبر)

دارای کرسی بود و سرانجام بازنشسته شد.

۱۹۶۳

«نامه درباره ایده‌باوری» به لهستانی ترجمه و منتشر شد.

1. *Ontology of the Work of Art: The Musical Work, the Picture, the Archi-*

tectural Work, the Film (1989). (عنوان ترجمه انگلیسی)

هستی‌شناسی اثر هنری در بردارنده چهار پژوهش است که مسئله اصلی‌شان ساختار و نحوه هستی آثار هنری است. اینگاردن آنها را دنباله پژوهش هستی‌شناختی اثر هنری ادبی می‌داند.

۱۹۶۳-۱۹۷۰

به همایش‌های جهانی می‌رفت و پیگیر چاپ مجموعه آثار فلسفی‌اش بود که از سال ۱۹۵۷ آغاز شده بود.

۱۹۷۰

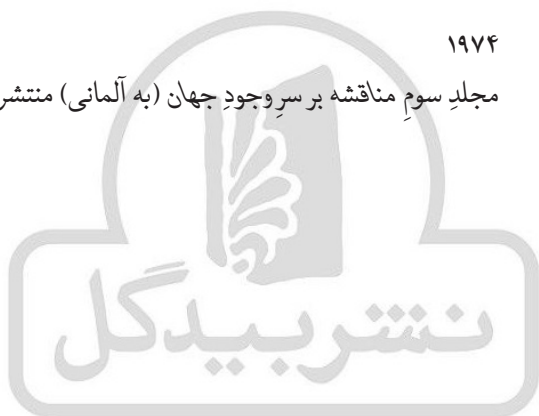
مجلد سوم پژوهش‌هایی در زیبایی‌شناسی (به لهستانی) منتشر شد.

۱۹۷۰ (چهاردهم ژوئن)

در کراکف درگذشت.

۱۹۷۴

مجلد سوم مناقشه بر سر وجود جهان (به آلمانی) منتشر شد.



مقدمه مترجم

فهم درباره ترجمه در گرو آن است که خواننده با پاره‌ای از آرای اینگاردن و برخی از مفهوم‌های مهم در کار او آشنا باشد. در لابه‌لای این متن کوتاه به بسیاری از آرای هستی‌شناختی و زیبایی‌شناختی اینگاردن برمی‌خوریم. در واقع، آنچه او درباره ترجمه متون یا آثار نوشتاری می‌گوید برگرفته‌ای هستی‌شناسی استوار است که شرحش در دیگر آثار او آمده. از این رو، در مقدمه‌ای که پیش رو دارید نخست طرحی کلی از کار فلسفی اینگاردن خواهد آمد و پس از آن گزارشی از پژوهش او در هستی‌شناسی اثر هنری ادبی. خواهیم دید که کجا هستی‌شناسی و زیبایی‌شناسی اینگاردن به هم می‌رسند و او چگونه با کمک مفهوم «ابژه قصدی محض»^۱ می‌کوشد تا برخی از گرفتاری‌هایی را که گریبان‌گیر هستی‌شناسان آثار هنری بوده‌اند از میان بردارد. نیز به ساختار «چندلایه»^۲ اثر هنری ادبی خواهیم پرداخت که می‌توان آن را بنیاد درباره ترجمه دانست. در برخی جاها هم به پاره‌ای از آرای فیلسوفان هم‌روزگارمان نگاهی

1. purely intentional object

2. multilayered, stratified

می‌اندازیم تا روشن شود که کار هستی‌شناختی اینگاردن تا چه اندازه می‌تواند گره‌گشا باشد. سرانجام این مقدمه تصویری کلی است از درباره ترجمه و مباحث آن.

کار فلسفی اینگاردن

اینگاردن یکی از بهترین شاگردان هوسرل بود و، پس از تاتارکیویچ^۱، یکی از پیشگامان پدیدارشناسی در لهستان. او را بیشتر به بحث‌های نظام‌مندش در زیبایی‌شناسی پدیدارشناختی می‌شناسند اما خودش طرح کلان کارش را این می‌دانست که به کشاکش ایده‌باوری / واقع‌باوری از راه هستی‌شناسی^۲ پایان دهد. در واقع، دفاع او از واقع‌باوری، خرده‌گیری‌اش به چرخش ایده‌باورانه هوسرل و، پیرو آنها، پژوهش درباره نحوه وجود جهان سراسر کار فلسفی‌اش را در بر می‌گیرند و دیگر آثارش را باید در پرتو آنها نگریست.

بیشتر آثار اینگاردن را می‌توان در دو دسته هستی‌شناختی و زیبایی‌شناختی جای داد. آثار هستی‌شناختی‌اش سرشار از بینش‌اند و نمودار باریک‌بینی او در فلسفه ورزشی، چنان‌که بوخنسکی^۳ کار او را در هستی‌شناسی، در سنت فلسفی غرب، بی‌همتا شمرده است. آثار زیبایی‌شناختی‌اش نیز بر بسیاری اثر گذاشته‌اند. برخی از شاگردانش در لهستان در پی او به زیبایی‌شناسی گرایش یافته‌اند و شماری از

۱. Władysław Tatarkiewicz: فیلسوف و تاریخ‌دان زیبایی‌شناسی لهستانی (۱۹۸۰-۱۸۸۶).

۲. هستی‌شناسی پژوهشی است درباره سرشت هستی و آنچه هست و به این می‌پردازد که هستی به چه معناست و آیا چیزها همگی به یک معنا هستند و نسبت هست‌ها با هستی و با هم چگونه است و آیا می‌توان هست‌ها را در مقوله‌هایی بنیادین، که گونه‌های بنیادین هستی‌اند، گنجانند و طبقه‌بندی کرد و این که آیا همه هست‌ها مادی‌اند یا ذهنی و چه وجه.

۳. Józef Maria Bocheński: فیلسوف لهستانی (۱۹۹۵-۱۹۰۲).

آنان، لویکی^۱ و لیسای^۲، روشِ او را در نظریهٔ فیلم به کار بسته‌اند. میکِل دوفرِن^۳ نیز، که یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها را در زمینهٔ زیبایی‌شناسی پدیدارشناختی نوشته است، در شاهکارش، پدیدارشناسی تجربهٔ زیبایی‌شناختی^۴، برخی از آرای اینگاردن را برگرفته. افزون بر آنان، یاوس^۵ در نظریهٔ دریافت و ایزر^۶ در نظریه‌اش دربارهٔ پاسخ خواننده از کار اینگاردن بسیار بهره برده‌اند.

سترگ‌ترین انبازی اینگاردن در فلسفه کارهستی‌شناختی اوست و از مفهوم‌سازی‌ها و واکاوی‌های درازدامان و بردبارانه‌اش بسیار می‌توان آموخت. هستی‌شناسی هم بزرگ‌ترین بخش کارش است هم در طرح فلسفی‌اش کانونی است، چنان‌که بخش‌های دیگر کارش را باید در پیوند با آن فهمید. او بر آن بود تا طرح اصلی‌اش، یعنی پژوهش در کشاکش ایده‌باوری / واقع‌باوری، را در پنج کتاب پیش نهد. نام اصلی آنها مناقشه بر سر وجود جهان^۷ بود و قرار بود در آنها به هستی‌شناسی (وجودی و صوری و مادی) و متافیزیک و معرفت‌شناسی بپردازد. با این همه، مرگ فرصت تکمیل کار به او نداد و تنها دو مجلد در هستی‌شناسی و مجلدی در متافیزیک منتشر شدند و هستی‌شناسی مادی و معرفت‌شناسی به سرانجام نرسیدند. بر پایهٔ تفسیر اینگاردن، هوسرل سرانجام وجود ایزه‌های جهان واقعی را به گونه‌ای وابسته به آگاهی محض می‌شمرد، یعنی آنها را،

1. Bolesław Lewicki

2. Zofia Lissa

۳. Mikel Dufrenne: فیلسوف و زیبایی‌شناس فرانسوی (۱۹۹۵-۱۹۱۰).

۴. The Phenomenology of Aesthetic Experience (1973). (عنوان ترجمه انگلیسی)

۵. Hans Robert Jauss: فیلسوف و نظریه‌پرداز ادبی آلمانی (۱۹۹۷-۱۹۲۱).

۶. Wolfgang Iser: ناقد و نظریه‌پرداز ادبی آلمانی (۲۰۰۷-۱۹۲۶).

۷. از این پس مناقشه.

به گفته اینگاردن، ابژه‌های قصدی محض می‌انگارد. اینگاردن در مناقشه، که شرحی نظام‌مند از پدیدارشناسی واقع‌گرایانه اوست، و در آثار زیبایی‌شناختی‌اش می‌کوشد تا، از راه هستی‌شناسی، رویاروی این رأی ایده‌باورانه هوسرل بایستد. او بر آن می‌شود تا نحوه‌راستین وجود جهان را نشان دهد، این‌گونه که نخست نحوه‌های ممکن وجود را پیش‌نهد و سپس بررسی کند که کدام‌یک از این نحوه‌های ممکن به‌راستی نحوه وجود جهان است. در این میان یکی از این نحوه‌های وجود، یعنی نحوه وجودی قصدی محض، اهمیتی بسیار می‌یابد، چون، چنان‌که گفتیم، به دیده اینگاردن، هوسرل ابژه‌های جهان را ابژه‌های قصدی محض انگاشته است. نزد اینگاردن، مهم‌تراز هر چیز «باید ساختار بنیادین و نحوه وجود ابژه قصدی محض را پیش‌نهمیم تا بتوانیم ببینیم که آیا ابژه‌های واقعی، برابر سرشت خودشان، می‌توانند دارای همان ساختار و نحوه وجود باشند یا نه». (Ingarden, 1973: lxxii) بدین‌سان او می‌کوشد تا نشان دهد که نحوه وجود و به‌ویژه صورت ابژه‌های واقعی و ابژه‌های قصدی محض با هم فرق دارند.

هستی‌شناسی اینگاردن، که نزد او با متافیزیک فرق دارد، چندبعدی است. در برابر هستی‌شناسی تک‌بعدی ارسطو، که می‌توان آن را هستی‌شناسی صوری دانست و هستی‌شناسی

۱. هستی‌شناسی برای او کاری است پیشینی درباره گونه‌های چیزهایی که می‌توانند وجود داشته باشند. او، در هستی‌شناسی، خود چیزها را پیش چشم دارد جدا از اینکه ما چگونه آنها را در اندیشه یا تصور می‌آوریم و جدا از اینکه در واقع وجود دارند یا نه. به‌عکس، نزد او، متافیزیک در این باره است که چه چیزی در واقع هست یا وجود دارد. متافیزیک در این باره است که مثلاً آیا به‌واقع جوهرهایی وجود دارند یا نه، اما هستی‌شناسی تنها در این باره است که چه چیزهایی می‌توانند وجود داشته باشند. بنگرید به Ingarden, 2013: 87-91.

دوبعدیِ هوسرل که برابر با هستی‌شناسیِ صوری و مادی است، هستی‌شناسیِ اینگاردن سه بعد، صوری و مادی و وجودی، دارد. او بر آن است که «هرابژه را (هرچه باشد) می‌توان از سه دیدگاه نگریت: نخست از دیدِ وجود و نحوهٔ وجودش؛ دوم از دیدِ صورتش؛ سوم از دیدِ داراییِ مادی اش» (Ingarden, 2013, 87). بدین‌سان مسائلِ هستی‌شناختی را به سه گروه بخش می‌کند: مسائلِ هستی‌شناختی-وجودی^۱، مسائلِ هستی‌شناختی-صوری^۲ و مسائلِ هستی‌شناختی-مادی^۳. در هستی‌شناسیِ وجودی هر چیز می‌پرسیم که «چه نحوهٔ وجودی هست که فراخور آن است. به سخن دیگر، چه نحوهٔ وجودی هست که ذاتِ آن مقررش می‌دارد؟ - گذشته از اینکه به واقع به آن نحوه وجود داشته باشد یا نه». (Ibid: 88) در هستی‌شناسیِ صوری با چنین پرسش‌هایی سروکار داریم: «آیا چیزی که در میان است، از دیدِ صورتش، شیء است یا فرایند یا مثلاً نسبت؟» (Ibid) هستی‌شناسیِ مادی نیز به تحلیلِ تعین‌های مادی یا، به گفتهٔ هوسرل، تعین‌های کیفیِ ابژه می‌پردازد. با این اوصاف، روی هم رفته می‌توان طرحِ هستی‌شناختیِ اینگاردن را چنین بازنمود: او، در هستی‌شناسیِ وجودی، سیاهه‌ای از نحوه‌های ممکنِ وجود فراهم می‌آورد و سپس بر آن می‌شود تا، با کمکِ هستی‌شناسیِ صوری و مادی، برخی از گزینه‌های سیاههٔ یادشده را کنار نهد تا سرانجام نحوه‌های راستینِ وجودِ جهان و آگاهی، و نسبتِ وجودیِ آن دو، آشکار شوند. در این میان، با بررسیِ ابژهٔ قصدیِ محض و ابژهٔ واقعی می‌کوشد تا فرقیِ صوری و وجودیِ آنها را نشان دهد و پاسخیِ رویارویِ هوسرل فراهم آورد.

1. existential-ontological problems
2. formal-ontological problems
3. material-ontological problems